

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان‌های فکری سیاسی دهه ۲۰

علی محمد حاضری^۱، مرضیه حاجی هاشمی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶)

چکیده

این نوشتار با این پیش فرض آغاز می‌شود که اندیشه انقلاب اسلامی در بستر اجتماعی-تاریخی دهه ۲۰ و جریان‌های فکری و سیاسی آن تولد یافت؛ بنابراین پرسش اساسی این است که وضعیت مذهبی، فکری و سیاسی این دهه چگونه بوده که بستری اجتماعی و تاریخی را برای وقوع یک پدیده جامعه‌شناختی چونان انقلاب اسلامی فراهم آورده است و مسأله عمده این مقاله آن است که برخلاف تصور و برخی مدعاهای مطرح شده پس از انقلاب اسلامی، اندیشه انقلاب اسلامی، عمدتاً با اندیشه‌های جریان نوگرایی دینی دهه ۲۰ و نه با اندیشه‌های بنیادگرایانه دینی در آن دهه قرابت دارد. بدین منظور در پژوهشی مجزا اندیشه انقلاب اسلامی با تحلیل تماتیک اندیشه رهبر و نخبگان انقلاب اسلامی به دست می‌آید. در این پژوهش با بررسی وضعیت مذهبی، فکری و سیاسی دهه ۲۰ این نتیجه حاصل می‌شود که اندیشه انقلاب به یکی از جریان‌های فکری و سیاسی این دهه نزدیک‌تر است. از آنجا که در این دهه چهار جریان عمده فکری و سیاسی در فضای آزادی آن دوره حیات اجتماعی داشت، پس از مختصر اشاره‌ای به وضعیت مذهبی آن دوره به

۱. هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و دانشجوی جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی
mrs.hajhashemi@gmail.com

شناخت این جریانات پرداخته می‌شود، اما از آن‌جا که انقلاب ۵۷ ایران قیدی اسلامی خورده است، بیشترین تأکید این مقاله به شناخت اندیشه‌های دو شاخه اسلام‌گرایی سیاسی یعنی بنیادگرایی دینی و نوگرایی دینی در دهه ۲۰ است. بنیادگرایی دینی جریانی است که در زمینه معرفت دینی نیازی به تغییر نمی‌بیند و می‌کوشد پاسخ تمامی پرسش‌ها و نیازهای تجدد را به طور از پیش موجود از دل دین استخراج کند، نه با فهم جدید از دین و نوگرایی دینی که طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود و در تلاش است که پاسخ تجدد را با فهم جدید از دین بدهد که این مسأله منجر به تغییر معرفت دینی می‌شود. در این مقاله به تفصیل به این جریانات پرداخته می‌شود.

کلیدواژگان: جریان فکری و سیاسی، انقلاب اسلامی، محافظه کاری سیاسی، ناسونالیسم سیاسی، اسلام‌گرایی سیاسی (نوغرایی دینی، بنیادگرایی دینی)

۱. طرح مسأله

این مقاله با این پیش فرض آغاز می‌شود که رخداد گسست معرفتی در تاریخ معاصر، سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ است؛ چراکه دهه ۲۰ یک دوره خاص و استثنایی در تاریخ ایران است که برخی گفته‌اند آزادی کاملی بر ایران حاکم بوده است، آزادی که محمل ظهور و بروز جریانات مختلف فکری و سیاسی شد، به طوری که می‌توان گفت براساس شواهد و متون موجود بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به گونه‌ای کاملاً متفاوت از گذشته، درک و توصیف و بیان شده است.

مسأله مورد پرسش در مقاله این است که پس از شهریور ۱۳۲۰ وضعیت مذهبی، فکری و سیاسی در جامعه ایران چگونه است، جامعه ایران در آن شرایط که شبه مدرنیسم رضا شاهی را تجربه کرده است و با برچیده شدن اختناق رضا شاهی و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی حاصل از شرایط بین‌المللی، فضای باز و آزادی را در حال تجربه است، بستر مناسب برای کدامین جریانات

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... علی محمد حاضری و همکار

فکری و سیاسی را فراهم می‌سازد و مؤلفه‌های اندیشه‌ای کدام یک از این جریانات به اندیشه انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران قرابت بیشتری دارد.

به بیانی دیگر مساله اصلی چیستی جریانات فکری و سیاسی است که در یک گسست معرفتی در تاریخ معاصر ایران شکل گرفته و اندیشه انقلاب اسلامی را در چند دهه بعد تغذیه کرده‌اند. پس از آشکار شدن این چیستی، اندیشه انقلاب اسلامی در این جریانات ردیابی می‌شود تا در یک رویکرد مقایسه‌ای مشابهت مؤلفه‌های حاصل از تحلیل تماتیک اندیشه انقلاب اسلامی با مفاهیم اساسی یک یا چند جریان فکری و سیاسی دهه ۲۰ به دست آید.

۲. چارچوب مفهومی

با توجه به توصیفی و غیرتبیینی بودن تحقیق چارچوب مشخص و از پیش تعیین شده نظری خاصی مرزهای تحقیق را تهدید نکرد، ولی برای دانستن این که جهت دستیابی به جریانات فکری و سیاسی دهه ۲۰ به طور مشخص باید سراغ چه داده‌هایی رفت تا مجموع آن‌ها به عنوان جریان فکری و سیاسی لحاظ شود، نیاز به چارچوب مفهومی بود.

جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است.

جریان‌های فکری نوعی تشکل و جمعیت اجتماعی است که از مبانی اندیشه‌ای برخوردار و تأثیرگذاری آن بیشتر در حوزه فکری است.

جریان‌های سیاسی تشکل و جمعیت‌های اجتماعی است که رویکرد و فعالیت آن‌ها سیاسی و تأثیرگذاری آن بیشتر در زمینه سیاسی است.

به طور کلی می‌توان گفت جریان سیاسی و فکری به جریانی گفته می‌شود که تبدیل به نوعی جنبش اجتماعی شده و در روند تحولات اجتماعی موثر است و نماینده فکری نیز دارد. این جریان باید دست کم سه مؤلفه ویژگی‌های خاص فکری، برخورداری از نمایندگی فکری و مطالبات اجتماعی و اثرگذاری بر تحولات را دارا باشد (مهارجرنیا، ۱۳۹۵).

۳. روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده با توجه به عنوان پژوهش و نیز مطالعه یک دوره زمانی (دهه ۲۰) مطالعه تاریخی است. پژوهشگر در فرآیند پژوهش در پی مقایسه پدیده مورد بررسی با پدیده‌های مشابه نیست؛ بنابراین نوع مطالعه تاریخی این پژوهش نیز تطبیقی نیست و موردی است. پدیده جریان فکری- سیاسی در دهه ۲۰ یا به تعبیر دقیق‌تر تا ۱۳۳۲ در ایران به عنوان پدیده‌ای منفرد مورد نظر است.

با توجه به روش‌شناسی تاریخی و بر پدیده‌های اجتماعی و تاریخی تنها زمانی به خوبی فهم می‌شوند که آن‌ها را در فردیت و خاص‌بودگی‌شان مورد بررسی قرار دهیم. و بر تلاش برخی از عالمان علوم انسانی را بیهوده می‌شمرد که در پی استنتاج واقعیت از دستگاه بسته‌ای از گزاره‌ها و قوانین هستند، و معتقد است که هدف علوم اجتماعی «فهم یکتایی ویژه واقعیتی است که در آن زندگی می‌کنیم.» (وبر، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

به طور کلی روش تاریخی در جامعه‌شناسی با سه رویکرد به کار گرفته می‌شود:

- ۱- کاربست الگوی عام در تاریخ ۲- کاربرد مفاهیم برای تفسیر تاریخ (جامعه‌شناسی تاریخی)
 - ۳- تحلیل نظم‌های علی در تاریخ (جامعه‌شناسی تاریخی - تحلیلی).
- رویکرد دوم که رویکرد روشی این تحقیق نیز است به دنبال تفسیرهای معنادار و مهم از تاریخ است و برای نیل به این مقصود موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: توجه به نیات و مقاصد فرهنگی بازیگران فردی یا گروهی در واقعه تاریخی، به کار بردن مفاهیم صریح و کلی به جای نظریه‌ها، استفاده از مقایسه به منظور برجسته‌سازی جنبه‌های خاص هر مورد تاریخی و استفاده از دوقطب مخالف تاریخی برای مقایسه.

هدف این راهبرد در مقایسه و تطبیق موارد تاریخ روشن کردن تفردها از طریق تفاوت‌هاست و نه نشان دادن قابلیت کاربست مکرر یک الگوی نظری و نه آزمون یا ارائه تعمیم‌های علی، به همین منظور در مطالعات صورت گرفته براساس جهت‌گیری این رویکرد توصیف زمان‌ها و مکان‌های خاص با پیچیدگی بسیار زیاد و پربار و توجه به جهت‌گیری بازیگران و نیز زمینه‌های نهادی و

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

فرهنگی ای که در آن عمل می کنند در دستور کار پژوهش قرار می گیرد (برگرفته از اسکاچپول: ۱۳۸۸).

۴. پیشینه تحقیق

وضعیت مذهبی، فکری و سیاسی در تاریخ معاصر ایران هم به طور مجزا هم به صورت بخش‌هایی از مطالعات تاریخی، جامعه‌شناسی تاریخی و تاریخ سیاسی مورد واکاوی قرار گرفته است، اما تا آنجا که بررسی شد پژوهشی یافت نشد که به طور صرف و اختصاصی به این وضعیت با تأکید بر گسست معرفتی این دوره تاریخی پرداخته و اندیشه انقلاب اسلامی را در بستر اجتماعی-تاریخی آن ردیابی کرده باشد.

برای نمونه رسول جعفریان در فصل‌هایی از کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ۱۳۵۷-۱۳۲۰»، آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب»، شاهرخ اخوی در کتاب «نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران»، ابوالفضل دلآوری در کتاب «جامعه‌شناسی تحولات ایران»، سپهر ذبیح در کتاب «تاریخ جنبش کمونیستی در ایران» به برخی از جریان‌های مورد مطالعه در این پژوهش پرداخته است. برخی هم به طور ویژه به جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی به ویژه نوگرایی دینی پرداخته‌اند مانند فروغ جهانبخش در کتاب «اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران» یا علی عرب سرخی اردستانی در کتاب «دموکراسی مکتبی یا مردم سالاری دینی» به نقش روحانیت، سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی در ایجاد اسلام سیاسی توجه دارند. داود فیرحی نیز در کتاب «فقه و سیاست در ایران معاصر، تحول حکومت‌داری و فقه حکومت اسلامی» در فصلی به جریان‌های مذهبی-سیاسی دهه ۲۰ پرداخته است.

۵. مؤلفه‌های اصلی اندیشه انقلاب اسلامی

در پژوهشی مجزا با تحلیل تماتیک اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی امام خمینی، بهشتی، مطهری و خامنه‌ای، مؤلفه‌های فرعی، مؤلفه‌های اصلی و تم نهایی هر اندیشه به دست آمده و سپس از

اجتماع آن‌ها اندیشه انقلاب اسلامی به دست آمد.^۳ بدین معنی که هیچ یک از مؤلفه‌ها حذف نشده و اگر یک مؤلفه فقط از یک اندیشه نیز به دست آمده در اندیشه انقلاب آمده است. مؤلفه‌های اصلی اندیشه انقلاب شامل اعتقاد به اصلاح معرفت دینی و دین سیاسی در دین‌ورزی، داشتن مشی ارشادی و غیرخشونت‌آمیز در مبارزه، استبداد ستیزی، اعتقاد به حکومت اسلامی و نوعی دموکراسی یا جمهوری اسلامی با نظارت فقیه، اعتقاد به علمی کردن دانشگاه و تعامل آزاد با نهاد دینی، اعتقاد به مجلس قانون‌گذاری، اعتقاد به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب منافع مادی و معنوی جامعه، قائل به حقوق و آزادی زنان و نیز تبعیض حقوقی است.

۶. وضعیت مذهبی در دهه ۲۰ ایران

گروه‌های مذهبی فعال در حیات اجتماعی ایران دهه ۲۰ شامل زرتشتیان، مسیحیان، یهودیان، بهائیان و روحانیان شیعه بود. عمده این نیروهای اجتماعی دینی یا به طور مستقیم و یا به دلیل واکنشی که نسبت به افزایش فعالیت‌های خود در دیگر گروه‌ها ایجاد کردند در شکل‌گیری و رونق جریان‌های فکری-سیاسی آن دوره نقش مؤثری داشتند. لازم است اشاره شود که روحانیان شیعه، یک‌بار در قالب یک گروه مذهبی در نظر گرفته می‌شود و یکبار نیز به دلیل فعالیت سیاسی برخی از جریان‌های آن‌ها اسلام‌گرایان‌شان در دسته‌بندی‌های جریان‌های فکری و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۶-۱- وضعیت زرتشتیان

در زمان رضا شاه یک ناسیونالیسم فرهنگی مورد تبلیغ و ترویج وسیع و در تلاش برای احیای تاریخ و فرهنگ ایران باستان بود که این وضعیت برای زرتشتیان شرایط مناسبی را فراهم می‌ساخت تا به صورت آزادانه‌تر مراکز و مراسم مذهبی خود را ترویج دهند. از منابع مختلف

۳. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، مرضیه حاجی هاشمی، با عنوان «مطالعه تبار اندیشه‌ای انقلاب اسلامی از شهریور ۱۳۲۰»

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

چنین به دست می‌آید که این رابطه خالی از تنش پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز ادامه پیدا کرد. آنان چونان گذشته یک نماینده در مجلس شورای ملی داشتند و این تنها فعالیت رسمی سیاسی آنها بود. زرتشتیان در تمام این دوران برای فعالیت اقتصادی هیچ محدودیتی نداشتند و نیروهای اجتماعی بی‌دردسری محسوب می‌شدند.

۶-۲- وضعیت مسیحیان

با سقوط حکومت رضا شاه مسیحیان ایران نیز همچون دیگر گروه‌های اجتماعی از لحاظ سیاسی فعال شدند و تقریباً از اولین گروه‌هایی بودند که به ایدئولوژی چپ رغبت نشان دادند. حزب ناسیونالیستی داشناک فعالیت خود را از سر گرفت، اما یک حزب چپ‌گرای ارمنی به نام «رامگاوار» نیز تشکیل شد که جانب‌دار شوروی بود، همچنین بسیاری از روشن‌فکران مسیحی به عضویت حزب توده در آمدند. مواضع چپ‌گرایانه و روشن‌فکری حزب توده و تأکید آن حزب بر تساوی حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی با دیگر مردمان ایران جاذبه زیادی برای گروه‌های اقلیت به ویژه مسیحیان داشت. مسیحیان مناطق شمال‌غربی ایران به ویژه ارمنی و آسوری در ماه‌های اولیه پس از اشغال ایران با تشکیل سازمان‌های محلی به اقدامات و اعتراض‌هایی علیه ملاکین و قوای دولتی دست زدند. حضور نیروهای شوروی در آن منطقه چتر حمایتی برای آن گروه‌ها محسوب می‌شد. این سازمان‌های محلی بعدها با فرقه دموکرات و حکومت خودمختار آذربایجان همکاری کردند (کاتم، ۱۳۷۱: ۹۱-۸۹).

از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۲۹ دولت علیه گروه‌های چپ دست به اقدام زد و به خصوص با حزب توده برخوردهای سختگیرانه‌ای کرد که این اقدامات منجر شد بخش قابل ملاحظه‌ای از مسیحیان ایران که با این گروه‌ها همکاری داشتند از کشور خارج شوند، اما به طور کلی فعالیت مسیحیان به صورت آموزشی و فرهنگی در مدارس مسیونرها و مراکز درمانی آنها ادامه داشت.

۳-۶- وضعیت یهودیان

سال‌های پس از جنگ جهانی دوم با تشکیل دولت اسرائیل و تشدید مهاجرت یهودیان به فلسطین هم‌زمان بود. یهودیان ایران نیز در قالب سازمان‌های مخفی به تبلیغات و فعالیت‌هایی برای همراهی با این حرکت‌ها و اقدامات دست زدند. تحرک سیاسی یهودیان به نوبه خود واکنش‌هایی را در میان برخی گروه‌های مسلمان و نیروهای دولتی برانگیخت و تنش‌ها و خشونت‌هایی را به دنبال داشت (عاقلی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۵۲).

۴-۶- وضعیت بهائیان

پس از سقوط رضا شاه و در طول دهه ۱۳۲۰ بهائیان ایران آزادی عمل بیشتری یافتند، بر فعالیت و تبلیغات خود افزودند و عبادت‌گاهایی نیز در برخی از شهرهای بزرگ برپا کردند. این موضوع به نوبه خود به فعال شدن گروه‌های ضد بهائی منجر شد. مخالفان در برخی شهرها به مراکز و سکونت‌گاه‌های بهائیان حمله می‌کردند. در دهه ۱۳۳۰ از آنجایی که شاه به حمایت روحانیت نیاز داشت دست روحانیون را در مبارزه با بهائیان باز گذاشت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۲-۲۱۴).

۵-۶- وضعیت روحانیان شیعه

روحانیون شیعه با سقوط حکومت رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ همچون دیگر نیروهای اجتماعی و سیاسی آزادی عمل بیشتری پیدا کردند. برخی از مراجع و روحانیون عالی‌رتبه از عراق به ایران بازگشتند. حوزه‌های علوم دینی گسترش یافت که به منزله شبکه ارتباطی روحانیون بود، و مراسم و مجالس مذهبی دوباره رونق گرفت. روحانیون در صدد بازسازی موقعیت خود و نقش اجتماعی مذهب برآمدند. ایشان به دولت فشار می‌آوردند تا برخی قوانین و مقررات غیرمذهبی دوران رضا شاه را لغو کند و در این مورد موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۴۵-۲۳). هم‌زمان با این تحولات تعدادی از روحانیون در عرصه سیاست فعال شدند که برجسته‌ترین آن‌ها که بر فعالیت سیاسی وی به طور چشمگیری افزوده شد آیت‌الله کاشانی بود. یکی از

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

گروه های سیاسی که زاینده شرایط خاص آن دوره و برخاسته از یک اندیشه بنیادین اما سیاسی از اسلام بود، فداییان اسلام است. آن ها گروهی از جوانان مسلمان معترض بودند که اولین حرکت اعتراضی و مبارزه خود را از گرفتن فتوای قتل کسروی در سال ۱۳۲۴ از یکی از مراجع نجف و ترور او آغاز کردند (در جای دیگری ماهیت این گروه به تفصیل بیان خواهد شد).

در این دهه موضع گیری علما و روحانیون در جنبش ملی نفت متفاوت است و در طیفی از فتوای جانبدارانه تا مخالفت علنی قرار دارد که این نشان از تنوع اندیشه سیاسی و مواضع آن ها در مواجهه با مسائل اجتماعی در آن دوره تاریخی است.

برخی از مراجع و روحانیون عالی رتبه نظیر آیت الله خوانساری، قمی، محلاتی، شاهرودی، کلباسی و کمره ای با صدور اعلامیه ها و فتوایی از ملی شدن نفت حمایت کردند. برخی هم از این جنبش و دولت مصدق حمایت های دامنه دارتری به عمل آوردند. نظیر برادران زنجانی (سید البوالفضل و سید رضا)، حاج سید جوادی، میلانی و انگجی و سید محمود طالقانی که تا آخر از حکومت مصدق جانبداری کردند. در این شرایط روحانیون بانفوذی چون آیت الله بهبهانی و آیت الله قنات آبادی با مصدق میانه خوبی نداشته و در ماه های آخر حکومت مصدق به کانون مخالفت با او تبدیل شدند (اخوی، ۱۳۶۸: ۱۸۴-۱۵۲).

با وجود این که شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن دوره از تاریخ ایران برخی از روحانیون را وارد جریان های سیاسی و فکری و حداقل بروز واکنش هایی به مسائل جاری نمود و حتی امام خمینی^(ره) اولین اثر سیاسی - اعتقادی خود را در پاسخ به اوضاع و شرایط خاص آن زمان منتشر کرد، اما این نکته قابل بیان است که پس از شهریور ۱۳۲۰ و به ویژه پس از آن که آیت الله بروجردی زعامت حوزه های علمیه را بر عهده گرفت تا سال ۱۳۴۰ قاطبه روحانیت در حوزه سیاست دخالت نمی کرد.

فداییان اسلام در برخی از اعلامیه ها و نوشته های خود به ویژه در کتاب راهنمای حقایق به خط فکری و سیاسی آیت الله بروجردی و پیروان او به شدت حمله و گاه توهین می کردند. از طرف دیگر روحانیون طرفدار آیت الله بروجردی در بهمن ماه ۱۳۲۷ در یک گردهمایی بزرگ

بیانیه‌ای صادر کردند که در آن روحانیون و طلاب علوم دینی را از عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی از دخالت در سیاست منع کرده و مجازات خلع لباس برای آن‌ها در نظر گرفته بود (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۴-۵۳).

در مورد روحانیون تجدیدنظرطلب که از دیگر جریان‌های فعال اسلام‌گرایی سیاسی در این دوره تاریخی است در بخش جداگانه‌ای بحث خواهد شد.

۷. جریان‌های فکری و سیاسی غالب در دهه ۲۰

دهه ۲۰ را می‌توان بستر اجتماعی-تاریخی زایش اندیشه انقلاب اسلامی دانست و نکته قابل اهمیتی که می‌توان بدان اشاره کرد این است که امام خمینی نیز به عنوان رهبر انقلاب اسلامی نخستین بار در این دوره تاریخی وارد مباحث سیاسی اسلام می‌شود و کتاب «کشف الاسرار» را می‌نویسد. به طور کلی می‌توان گفت محرک اصلی همه تحولات فکری و سیاسی این دهه که به طور قطع پاسخی بر مطالبات اجتماعی زمان خویش، مدرنیته است و این جریانات همگی ملهم و متأثر از مدرنیته یا بازتابی در مقابل آن است.

به بیان دیگر پروژه مدرنیسم توسط حکومت رضا شاه در ایران اجرا شد، اما به دلیل ناقص بودن آن و عدم وجود آزادی‌های سیاسی همزاد آن که بیشتر شبه مدرنیسم بود نه مدرنیسم، به محض برداشتن فشارها جلوه‌های فکری و سیاسی خود را ظاهر نمود و افراد و جریاناتی به طور فعال وارد عرصه فکری و سیاسی ایران شدند. به طور کلی می‌توان چهار جریان فکری و سیاسی را در این دوره نام برد: ۱- محافظه‌کاری سیاسی؛ ۲- ناسونالیسم سیاسی؛ ۳- مارکسیسم و سوسیالیسم؛ ۴- اسلام‌گرایی سیاسی. گرچه تا حد زیادی اندیشه انقلاب اسلامی را می‌توان برخاسته از اسلام‌گرایی سیاسی این دوره دانست، ولی لزوم پرداختن به دیگر جریانات دهه ۲۰ در این است که مشخص شود این اسلام‌گرایی سیاسی در کدام فضای فکری-سیاسی و نیز برای عرض اندام در برابر کدام جریانات و اندیشه‌ها شکل گرفته و تا چه اندازه ملهم از آن‌ها یا در تقابل با آن و بازتابی در برابر آن است.

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

۷-۱- محافظه کاری سیاسی

«بعد از اشغال ایران و سقوط رضا شاه موقعیت و قدرت دربار و شاه به شدت تنزل کرد. مهم ترین نیروی حامی دربار یعنی ارتش دچار فروپاشی شد. شمار نظامیان در اثر فرار بسیاری از سربازان، درجه داران و افسران از ۱۲۴ هزار نفر به حدود ۶۵ هزار نفر کاهش یافت. دربار هم که وارث بدنامی دوران خودکامگی رضا شاه و ناکامی او در جلوگیری از تهاجم خارجی بود به شدت تضعیف شد. گویا قدرت های خارجی اشغال گر با اکراه به سلطنت ولیعهد (محمدرضا) رضایت داده بودند. محمدرضا شاه همچون پدرش ترجیح می داد تا ارتش را تکیه گاه اصلی خود سازد. او از همان آغاز سلطنتش درصدد برآمد با اقداماتی نظیر تقویت و تجهیز ارتش و اعطای درجه و افزایش حقوق و مزایای نظامیان وفاداری افسران و فرماندهان ارتش را به سوی خود جلب کند» (آبراهامیان ۱۳۷۷: ۲۱۸).

محافظه کاران سیاسی با این که در آن سال ها یک طیف گسترده و غیرهمگونی بودند، اما می توانستند بهترین تکیه گاه و مطمئن ترین پشتوانه برای شاه جوان باشند؛ بنابراین او در سال های ابتدایی سلطنتش با این جریان سیاسی ائتلاف نمود.

«به هر حال پس از سقوط رضا شاه، محافظه کاران که به طور عمده شامل درباریان، نظامیان عالی رتبه و سیاستمداران قدیمی و البته گروهی از روحانیون و روزنامه نگاران بودند، در قالب احزاب و تشکلهایی نظیر آریا، اتحاد ملی، ذولفقار و کانون بازنشستگان ارتش متشکل شدند و به تدریج جایگاه سیاسی خود را بازسازی کردند. این گروه ها از افزایش قدرت شاه و ارتش حمایت می کردند و مبارزه با گروه های چپ را در دستور کار خود قرار داده بودند، همچنین آن ها حضور و نفوذ قدرت های غربی در ایران را به عنوان راهی برای کاهش تهدیدهای احتمالی شوروی لازم می دانستند. این گروه ها تا سال ۱۳۳۲ در مقابله با حزب توده و بازسازی قدرت شاه و دربار نقش مؤثری ایفا کردند» (دلآوری، ۱۳۹۰: ۲۳۷). به طور قطع اندیشه های انقلاب اسلامی در تقابل با این جریان شکل گرفت و ردیابی از اندیشه های آن را در اندیشه های انقلاب اسلامی نمی توان سراغ گرفت.

۷-۲- ناسیونالیسم سیاسی

آنچه در دوره رضا شاه به عنوان یک ایدئولوژی حاکم و دولتی حضور داشت یک ناسیونالیسم فرهنگی ایرانی بود که آن را برگرفته از فرهنگ و تمدن ایران باستان برمی‌شمردند، اما با نفوذترین، مؤثرترین و پرتعدادترین جریان ناسیونالیستی در دوره پس از سقوط رضا شاه، ناسیونالیسم فرهنگی دولتی دیکته شده رضا شاهی نبود، بلکه متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و براساس خواست و مطالبه عمومی که خروج نیروهای اشغالگر از ایران و ممانعت از ظهور استبداد رضا شاهی بود و نیز شرایط جهانی ویژه‌ای که پس از جنگ جهانی حاکم شده بود به‌گونه‌ای که در سراسر جهان، جنبش‌های استقلال‌خواهی، ملی‌گرایانه و ضد استعماری سربرآورده بود، یک ناسیونالیسم ضد استعماری و ضد استبدادی نیز در ایران شکل گرفت.

اشغال ایران توسط متفقین احساسات متضادی را میان مردم و نیروهای سیاسی ایران برانگیخت. سقوط حکومت خودکامه رضا شاه برای نیروهای سیاسی و مردم خوشایند بود و امید به افزایش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را افزایش داد، اما حضور و تسلط تحقیرآمیز نیروهای نظامی خارجی نگران‌کننده بود و احساسات ضدبیگانه عمیقی را در آن‌ها برمی‌انگیخت. این احساسات متضاد به شکل‌گیری گرایش‌های دوگانه‌ای در میان بخش مهمی از نیروهای سیاسی ایران انجامید. یک سوی این گرایش را مقابله با سلطه و نفوذ خارجی و سوی دیگر آن را تلاش برای تحکیم حقوق و آزادی‌های سیاسی در چارچوب یک حکومت مشروطه پارلمانی تشکیل می‌داد. این احساسات و گرایش‌ها روی هم رفته خمیرمایه یک ناسیونالیسم ضد استعماری و تا حدودی مشروطه خواه را به وجود آورد که در سال‌های پس از اشغال به تدریج بر عرصه سیاسی ایران سایه افکند و در جنبش ملی نفت در اواخر دهه ۱۳۲۰ به ایدئولوژی سیاسی مسلط تبدیل شد. ناسیونالیسم سال‌های دهه ۱۳۲۰ طیفی از نیروهای سیاسی را دربر می‌گرفت که در انتهای سویه راست آن گروه‌هایی نظیر «حزب ملیون ایران» و «حزب پان ایرانیست» با گرایش‌های تندروانه و شبه نازی قرار داشتند و در انتهای سویه چپ آن گروه‌هایی نظیر «حزب زحمت‌کشان» و «نیروی سوم» با داعیه‌هایی سوسیالیستی جای گرفته بودند. در میانه این طیف نیز گروه‌هایی نظیر

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

«حزب ایران» و «حزب آزاد» و شخصیت‌هایی نظیر دکتر محمد مصدق قرار داشتند (دلآوری، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

مصدق بارزترین شخصیت و محوریت این جریان فکری و سیاسی است که پس از سال‌ها تبعید و حصر در دوره رضاشاهی، پس از سقوط او فعالیت سیاسی خود را دوباره از سر گرفت و به صورت نماینده مردم تهران وارد مجلس شد.

ناسیونالیسم سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد به انفعال سیاسی کشانده شد و حداکثر اعتراضات خود را با مشی پارلمانی دنبال می‌کرد. اندیشه‌های این گروه به شکل یک اندیشه مبارزاتی و انقلابی در اندیشه انقلاب حضور نداشت، ولی وجه ضد استعماری و ضد استبدادی آن با اتکا به مبانی دینی در اندیشه انقلاب تبلوری بارز یافت.

۷-۳- مارکسیسم و سوسیالیزم

آغاز فعالیت‌های جریان سوسیالیستی - مارکسیستی در ایران با تثبیت اقتدار رضا شاه پهلوی همراه بود. او در مدت زمان کوتاهی توانست فعالیت‌های این جریان را سرکوب کند، به گونه‌ای که «در اوایل دهه ۱۳۱۰ حزب کمونیست ایران در عمل منحل شده بود. پایه‌گذار ایدئولوژی حزب یک استاد دانشگاه تحصیل کرده آلمان به نام تقی ارانی بود که بر رشد اندیشه «سوسیالیزم انقلابی» در ایران تأثیر زیادی گذاشت. تقی ارانی [که در رأس یک گروه ۵۴ نفره از اعضای حزب کمونیست زندانی شده بود]، در سال ۱۳۱۸ ظاهراً بر اثر ابتلای عمدی به تیفوس در زندان درگذشت و اعضای باقی مانده گروه، ۵۳ نفر در سال ۱۳۲۰، پس از آن‌که متفقین رضا شاه را مجبور به کناره‌گیری و رفتن به تبعید کردند، از زندان آزاد شدند. حزبی که این اعضا تشکیل دادند (حزب توده) از آن پس بر حیات اجتماعی - سیاسی ایران تأثیر زیادی بر جای گذاشته است. حزب توده در دوران فعالیت قانونی و مخفی‌اش در داخل ایران بین سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ به ویژه در رابطه با سیاست خارجی دقیقاً از خط مشی شوروی پیروی کرد، هر چند در سمت‌گیری عملی‌تر و

تنوریک و ایدئولوژیک‌گزینشی خود آن‌طور که آشکارا بروز می‌کرد بیشتر به یک خط مشی عادی مارکسیستی - لنینیستی پای‌بندی نشان می‌داد» (وحدت، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

این حزب در انتخابات مجلس چهاردهم (در سال ۱۳۲۲) موفق شد یک فراکسیون کوچک هشت نفره، اما فعال را به درون مجلس بفرستد. قدرت حزب توده در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ ه.ش به اوج خود رسید تا جایی که برخی از صاحبان نظر بر این اعتقادند که اگر در آن سال‌ها یک انتخابات آزاد برگزار می‌شد حزب توده احتمالاً حدود ۴۰٪ کرسی‌های مجلس را به دست می‌آورد (ذبیح ۱۳۶۴: ۱۴۹-۱۳۹).

جاذبه‌های مارکسیسم و سوسیالیزم به دلیل ادعای علمی و انقلابی‌گری بسیاری از اندیشمندان مسلمان نوگرا را هم به خود جذب کرد که نهضت خدایپرستان سوسیالیست یکی از این گروه‌ها بود. ادبیاتی که این جریان وارد فضای سیاسی ایران کرد به مرور زمان در ادبیات سایر مبارزان سیاسی رسوخ کرد، به گونه‌ای که آن را در زبان و اندیشه برخی حامیان انقلاب اسلامی نیز مشاهده می‌کنیم؛ بنابراین نه تنها ذهنیت و ادبیات جذاب چپ موجب شکل‌گیری مستقیم برخی گروه‌های مذهبی سوسیالیست شد، بلکه در ادبیات مبارزاتی دیگر گروه‌ها نیز نفوذ کرد و ضدیت با امپریالیسم غرب که وجه شاخص این جریان بود تا حدودی در جلوه‌های غرب‌ستیزانه اندیشه انقلاب اسلامی تبلور یافت.

۷-۴- اسلام‌گرایی سیاسی

پس از شهریور ۱۳۲۰ و پایان یافتن سیاست‌های دین‌ستیزانه رضا شاه نوعی گرایش به دین‌سیاسی یا بهتر بگوییم اسلام‌گرایی سیاسی نمود یافت که در دو شاخه و مسیر متفاوت، ولی موازی با هم آغاز شد. با شناخت هر سه جریان فکری و سیاسی پیشین در دهه ۲۰ و کم‌رنگ شدن احتمال این‌که آن سه جریان خاستگاه اندیشه‌ای انقلاب اسلامی باشند می‌توان گفت که اندیشه امام خمینی^(ره) و انقلاب اسلامی نیز ادامه همین اسلام‌گرایی سیاسی است که در این دهه در فضای باز

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

سیاسی سربرآورد و به تدریج مراحل کمال خود را طی کرد؛ چرا که اسلامی بودن این انقلاب از مفروضات بیشتر مطالعات این حوزه است، اما نکته قابل تأمل تأثیر این اندیشه از مدرنیته است. به طور کلی می توان بیان داشت که حرکتی کاملاً متفاوت و ملموس پس از شهریور ۱۳۲۰ در این زمینه مشاهده می شود. «اگرچه در ابتدا شاید بتوان آن را نهضت بیداری نامید، اما بیشتر و حداقل در آغاز یک واکنش به رویه ها و فعالیت های ضددینی در جامعه بود. این حرکت به دو جریان عمده اسلامی تبدیل گردید. یک حرکتی است که از سنت گرایان آغاز می شود که فداییان اسلام پیش گام و پیش قدم آن در ایران بودند. در واقع یک حرکت سلبی یا مقابله با تهاجم به باورهای دینی رایج زمان بود» (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۷: ۶۳). حرکت دیگر جریان نوگرایی دینی بود. البته می توان جریان نوگرایی دینی دهه ۲۰ ایران را بیشتر یک جریان تجدیدنظر طلب نامید تا نوگرایان دینی یا این که آن ها را روحانیون تجدیدنظر طلبی دانست که وجوه تمایزی با روشن فکران دینی و نیز نوگرایان دینی دهه ۴۰ و ۵۰ دارند که نسلی تکامل یافته تر از آن ها است. به غیر از دو طیف اسلام گرایی سیاسی نامبرده، طیف غالب و جریان اصلی حوزه های علمیه در آن زمان، غیرسیاسی و همان طیف به اصطلاح «سنتی» در فقه شیعه بودند که عدم دخالت در سیاست و تقیه در عصر غیبت را پیش می گرفتند.

۷-۴-۱- نوگرایی دینی

جریان نوگرایی دینی کمی متأخرتر از جریان روشن فکری دینی در ایران ظاهر شد. ریشه های اندیشه های اصلاح گری دینی را در ایران در دوشاخه برون دینی و درون دینی می توان یافت. یک شاخه آن را به شکل یک جریان می توان در دوران پس از مشروطه و به ویژه در عصر رضا شاه مشاهده کرد. این عده که بیشتر ایرانیان مسلمان تحصیل کرده غرب بودند متأثر از اندیشه های لائیسیتیه و نیز پوزیتویستی غربی سعی در انطباق دین با دانش خود و نیز خرافه زدایی از دین داشتند که افراطی ترین شکل آن در پاکدینی کسروی متجلی است که حتی تحصیل کرده غرب نیز نبود. اگرچه او نیز از ابتدا با نگاه درون دینی وارد این عرصه شد.

برخی دیگر که طیف گسترده‌تری هستند با نگاهی درون دینی و حتی در لباس روحانیت این جریان را دنبال کردند. همان طور که گفته شد تلاش اصلی آن‌ها در جهت بازگشت دین به صحنه اجتماع بود. نوگرایی دینی گرایشات ملی و عدالت‌خواهانه نیز داشت و نوگرایان دینی بعد از شهریور ۱۳۲۰ با وجود تعارضات بین دیدگاه جهان وطنی اسلام و ماهیت خاص‌گرایانه ناسیونالیسم با این ایدئولوژی مخالفت نمی‌کنند (قریشی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). برای شناخت مؤلفه‌های اصلی شاخه دوم جریان اصلاح‌گری دینی که همان نوگرایی دینی است باید به مطالعه اندیشه‌های شاخص‌ترین افراد آن پرداخت تا بتوان به رویکرد جامع این جریان فکری-سیاسی در دهه ۱۳۲۰ دست یافت.

می‌توان شریعت سنگلجی و خرقانی را در صف اول نوگرایان دینی و جریان اصلاح‌گری درون دینی قرار داد. «اصلاح‌گرانی که می‌خواهند دین و شریعت رایج را تصحیح و تکمیل کنند، کلیت آن را بپذیرند و تنها به اصلاحات و تغییراتی در آن دست بزنند» (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

۷-۴-۱-۱- سید اسدالله خرقانی

او یکی از نخستین علمای اصلاح‌گری دینی در ایران و از کسانی است که طرح بازنگری در برخی از عقاید موروثی شیعه امامی را مطرح کرد، همچنین یکی از تلاشگران سرشناس در راه بازگرداندن عزت و عظمت اسلام و مسلمین بود. کتاب «محو الموهوم و صحو المعلوم» از مهم‌ترین و آخرین کتاب‌های او است که تأثیر زیادی بر افکار علمای اصلاح‌گر و دعوت‌گران اصلاح و نوسازی بعد از خودش بر جای گذاشت.

خرقانی در کتاب «محو الموهوم و صحو المعلوم» خود که نوعی جمهوری اسلامی را می‌توان در آن دید اصولی را برمی‌شمرد که با اندیشه‌های غالب و رایج شیعه متفاوت بود:

- الوالامر که در قرآن ذکر شده مربوط به خلفای چهارگانه است و پس از آن‌ها تاکنون (زمان خرقانی) مصداقی نداشته است.

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

- استناد به آیاتی را که شیعیان در بحث مربوط به غدیرخیم به کار می‌برند برای اثبات امامت شیعی ناکافی می‌داند و اختلاف‌های مربوط به خلافت را امری شخصی و نه دینی تلقی می‌کند.
- به ولایت تکوینی امام زمان (عج) اعتقادی ندارد و آن را در همان حد تشریحی می‌داند.
- غیر قرآن هرچه از هر که هست مسکوت‌عنه بگذارند تا آن‌که کلیه عقاید و اصول را از قرآن بیاموزند.
- میزان صحیح و محکم برای تشخیص عوائد عرفی از اصل شرعی سه امر است: اول قرآن مجید، دوم سنت متقنه بین فرق مختلف مسلمین، سوم عملیات ذات اقدس رسالت در مدت بیست و سه سال.
- مهم ترین اندیشه‌های خرقانی که در آثار او مشاهده می‌شود شامل موارد زیر است.
- مخالفت با کشف حجاب و تصریح این‌که تردید در حکم حجاب ناشی از اختلافات فکری است (رساله رد کشف حجاب، ۱۲۹۶).
- انتقاد به آزادی‌خواهی عصر جدید با وجود اندیشه‌های نوگرایی و تجددخواهانه‌اش (همان).
- اعتقاد به دموکراسی اسلامی و برتری آن نسبت به دموکراسی غربی و بشارت این‌که بالاخره روزی سیاست اسلامی در ایران معمول و مجری خواهد شد. این عبارت دقیقاً در «کتاب روح التمدن و هویت الاسلام» با عنوان فرعی «اسلام چهل سال اول یا دموکراسی عالم» آمده است: «دموکراسی اسلامی به مراتب شتی، اتم و اکمل از دموکراسی ملل سایر است» (روح التمدن و هویت الاسلام، ۱۲۹۶).
- اعتقاد به نظام حقوقی جدید، اما براساس فقه اسلامی نه قوانین حقوقی غربی (رساله قضا و شهادت و محاکمات حقوقی ابدی اسلامی، ۱۲۹۹).
- لزوم فهماندن برهان و دلیل احکام دینی به بشریت، با توجه به اکتشافات خارق‌العاده بشری و نشر افکار مادی (محوالموهوم و صحوالمعلوم، ۱۳۳۹).

- اعتقاد به نقش برجسته علما در انحطاط به دلیل همراهی با سلاطین در طول تاریخ تشیع (همان).
 - اعتقاد به جمهوری اسلامی همراه با دیانت و خداپرستی و مساوات دینی و اخوت (همان).
 - تفسیر اولی الامر به رییس جمهوری که مردم او را انتخاب می‌کنند و احکام اسلام را اجرا می‌کند (همان).
- در توضیح نکته اخیر می‌توان به این عبارت خرقانی اشاره کرد: رییس اجرایی مسلمین انتخابی است که اوصاف او را قرآن بیان کرده و مسلمانان در هر دوره باید مصداق این صفات را انتخاب کنند (خرقانی، ۱۳۳۹: ۳۸).

۷-۴-۱-۲- شریعت سنگلجی

رضا قلی سنگلجی در سال ۱۲۷۱ در تهران به دنیا آمد، او آثار زیادی از خود به جای گذاشته که اندیشه‌هایش در آن‌ها متجلی است. از جمله کتاب‌های جنجال آفرین او «کلید فهم قرآن» بود. بعد از انتشار این کتاب قیل و قالی در حوزه‌های علمیه برپا شد. حتی رساله‌ای با عنوان رد و انتقاد بر کلید فهم قرآن به قلم یکی از دانشجویان دینی لار در آذر ۱۳۲۸ در شیراز منتشر شد (مدرسی، ۱۹۶: ۲۵۳۵). در این کتاب به خوبی می‌توان به اندیشه‌های سنگلجی پی برد، او در این کتاب چنین آورده است:

«مطالعه قرآن مرا متنبه و آگاه کرد که باید در کتاب خدا و دستور آسمانی تدبر کرد، زیرا که فهم دین و عمل به شریعت سیدالمرسلین موكول است بر تدبر در آیات قرآنی، و قرآن کتابی است فلسفی و اجتماعی و اخلاقی و حقوقی و نباید به صرف خواندن ظاهر آن قناعت کرد. پس از تدبر در قرآن به حول و قوه الهی زنجیر تقلید را پاره کرده، پرده تعصبات و موهومات را دریدم و بار گران خرافات را از دوش برانداخت». در جای دیگر آورده است:

«و جهت دیگر دشمنی اقران و ابناء زمان (با من) این بود که خداوند متعال مرا هدایت به شناختن دین فرمود، دیدم در دین خرافاتی پیدا شده است و به قرآن اباطیل و موهوماتی نسبت

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

می دهند و در جامعه ما به جای دین اسلام از ادیان باطله و خرافات امم خالیه اصولی و احکامی جای گزین شده است که امتیاز میان اسلام و خرافات داده نمی شود، هزار گونه شرک و بت پرستی به اسم دین توحید رونق پیدا کرده و هزار قسم بدعت و خرافات به نام سنت پیغمبر رایج شده است و اگر مسلمین به همین طریق پیش بروند و امتیاز میان حقیقت و مجاز داده نشود، هیچ عاقل و درس خوانده ای در دین نمی ماند» (شریعت سنگلجی، ۱۳۴۵).

سنگلجی معتقد است که تقلید و سلطه نقدناپذیر تفکر عالمان که حق ولایت بر نوع انسان را برای خود قائل شدند، حریت نفس را از انسان گرفته و عقل او از تفکر و تجسس بازماند. قرآن بشریت را به حریت نفس و آزادی عقل تشویق می کند و شیادان آزادی را مورد توبیخ قرار می دهد (سنگلجی، ۱۳۴۵: ۱۸۱-۱۷۴).

«تلاش او با این که به جایی نرسید، اما در جریانات دوره پهلوی دوم در مذهب شیعه برای نوسازی از طرف افرادی چون بازرگان، شریعتی (و حتی شاید به شکلی از جانب آیت الله خمینی) و طرفداران او دنبال شد» (طبری، ۱۳۶۰: ۲۵۳).

۷-۴-۱-۳- احمد کسروی

سید احمد کسروی در سال ۱۲۶۹ در خانواده ای روحانی در حکم آباد تبریز به دنیا آمد و آموزش دینی سنتی را فراگرفت. بعدها در ۱۲۹۴ که به تدریس عربی در یک مدرسه مسیونری آمریکایی مشغول بود، انگلیسی را نیز آموخت (کسروی، ۱۳۴۱: ۶۰). کسروی تجسم بازنگری در مذهب رسمی و فرهنگ و موج جنبش اسلامی گردید. افکار کسروی را از میان هفده کتاب و رساله و همچنین مقاله های متعددش در روزنامه پرچم می توان شناخت.

«احمد کسروی یک نمونه افراطی از منتقدین به مذهب، دین و حتی متون کلاسیک ادبی فارسی بود که با قلمی تند و جدی و [گزنده] به انتقاد از آن ها پرداخت. طبعاً سزاوار نیست تا او را جزء نوگرایان دینی و مصلحان دینی بدانیم، چرا که در نگرش تجدیدنظر طلبانه خود چیزی از دین به جای نگذاشت و بیشتر به جریان افسادی شبیه بود تا اصلاحی. با این حال از آن جا که نقطه

شروع او از همین نقطه بود» (جعفریان، ۱۳۸۳: ۸۲۲) و افکار او بر جریان‌های دهه ۲۰ تأثیر گذاشت، به ویژه شکل‌گیری جریان افراطی فدائیان اسلام که در اصل اولین جریان بنیادگرایی دینی در ایران بود، مطالعه اندیشه‌های او ضرورت دارد.

با آن‌که کسروی براساس معیارهای مرسوم مرد دین‌داری نبود و به دلیل حملاتش به شیعی‌گری جاننش را از دست داد، به عنوان یک ضد مادی‌گرای متعهد تا هنگام مرگش «مادیگری و الحاد» را مورد حمله قرار می‌داد (وحدت، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

اندیشه‌های کسروی را می‌توان از انسان‌شناسی و هستی‌شناسی او فهم کرد. او در مورد انسان معتقد است که «آدمی از گوهر جان [جسم]، هوس و آرزو و رشک و خشم و کینه و خودنمایی و برتری‌فروشی و چاپلوسی و ستمگری و دیگر خوی‌های ناستوده را می‌دارد و از گوهر روان [ذهن] دارای فهم و اندیشه و خرد و شرم و آزر و این گونه چیزهای ستوده است» (کسروی، ۱۳۴۰: ۳۱).

در هستی‌شناسی کسروی دین عامل نظم و همبستگی اجتماعی بود و می‌توان گفت نگاهی دورکیمی به دین داشت. او معتقد بود «بسیاری به دین نیازی نمی‌بینند، ولی نیاز هست. دین شاهراه زندگانی است، اگر نباشد، مردمان هر گروهی راه دیگری گرفته، گمراه گردند و از هم بپراکنند، اگر نباشد هر کسی سود خود جوید و کشاکش پدید آید و رشته با همی گسیخته گردد (کسروی، ۱۳۴۰: ۷۵). او اسلام را نیز دو نوع معرفی می‌کند، یکی اسلامی که پاک مرد عرب هزار و سیصد و پنجاه پیش بنیان نهاد و دیگری اسلامی که امروز هست و به رنگ‌های گوناگونی از سنی، شیعی، اسماعیلی، علی‌اللهی، شیخی، کریم‌خانی و مانند این‌ها نمودار گردیده است. از آن اسلام چیزی باز نمانده است. دینی که پاک مرد عرب بنیاد گذاشت دو رویه می‌داشت: یکی راهنمایی‌های باوری و دیگری بنیادگذاری‌های سیاسی (تشکیلات). امروزه همه این‌ها به هم خورده و از میان رفته است. امروز مسلمانان مغزهاشان آکنده از هرگونه گمراهی است. گنبد پرستی و مرده‌پرستی که رنگ‌های دیگر بت‌پرستی است در میان مسلمانان رواج بی‌اندازه دارد.

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

بنیادگذاری های سیاسی اسلام نیز به یک بار به هم خورده و دیگر امروز کشوری به نام اسلام نیست (کسروی، ۱۳۲۲: ۷-۴).

هستی شناسی کسروی منجر به پرورش این اندیشه ها در نزد وی شده بود:

اعتقاد شدید به نظم و عقلانیت و مخالفت سرسختانه با مظاهری از فرهنگ که به زعم او با این دو مؤلفه در تضاد بود. مراسم کتاب سوزی او نیز در این نگاه معنا می شود (ورجاوند بنیاد، ۱۳۴۰).
به موجب پای فشاری بر مورد پیشین حتی اعتقاد داشت کسانی که انسان ها را به اوهام می کشانند و از عقلانیت دور می کنند، باید از این راه برگرددند و گرنه سزایشان مرگ است؛ چراکه معتقد بود، خدا انسان را برای این که علف های هرز زمین را از ریشه برکنند خلق کرده است (ورجاوند بنیاد، ۱۳۴۰)؛

او به حقوق شهروندی و آزادی های دموکراتیک معتقد بود و دموکراسی مشروطه را بهترین شکل حکومت می دانست (امروز چاره چیست؟، ۱۳۲۴).

برخلاف انتظار، او زنان را شهروند درجه دو می دانست و معتقد بود خدا آن ها را برای بچه داری و خانه داری در خدمت مردان خلق کرده است (امروز چاره چیست؟، ۱۳۲۴).
اعتقاد به کلیتی ساختاری و فرافردی چون سرزمین پدری داشت که هر ایرانی باید آن را پرستش کند (ورجاوند بنیاد، ۱۳۴۰).

ادعای فقها در داشتن ولایت در زمان غیبت امام معصوم را باطل می دانست (شیعه گری، ۱۳۲۳).
عامل عدم موفقیت مشروطه را مخالفت روحانیت با مشروعیت مجلس می دانست (شیعه گری، ۱۳۲۳).

۷-۴-۱-۴- علی اکبر حکمی زاده

حکمی زاده در شهر قم به دنیا آمد و پدرش شیخ مهدی قمی پایین شهری از علمای مشهور شهر قم در زمان خودش بود و هنگامی که آیت الله حایری از اراک به قم نقل مکان کرد و حوزه علمیه قم را بنیان نهاد، در منزل وی اقامت کرد. شیخ مهدی قمی، داماد ابوالحسن طالقانی، پدر سید محمود

طالقانی است، یعنی «حکمی‌زاده» پسر خواهر سید محمود طالقانی است. اندیشه‌های حکمی‌زاده به عمق و وسعت اندیشه‌های نوگرایان دینی نیست، اما به دلیل این‌که رساله مشهور اسرار هزار ساله او موجب تألیف اولین اثر سیاسی امام خمینی در پاسخ به او شد که در مطالعه تبار اندیشه‌ای انقلاب اسلامی حائز اهمیت است، مختصری به اندیشه‌اش پرداخته می‌شود. وی در رساله خود در شش گفتار مباحث و پرسش‌هایی را مطرح کرد. گفتار یکم: خدا، وی در این‌جا اعتقاد و توسل به امامان و امامزادگان را شرک به خدا می‌داند.

گفتار دوم: امامت، وی آنچه را که در مورد امامان شیعه گفته می‌شود، غلو می‌داند. گفتار سوم: روحانی، در این بخش ولایت و حکومت آن‌ها را زیر سوال می‌برد. گفتار چهارم: حکومت، این اصل رایج شیعه در آن زمان را که برقراری حکومت در زمان غیبت باطل است، زیر سوال می‌برد. گفتار پنجم: قانون، وی در این فصل مطرح می‌کند که چرا دین می‌گوید، تنها قانون رسمی و واجب‌الاطاعه باید از شرع باشد. گفتار ششم: حدیث، چرا دین امروز ما همه وظیفه ما را در میان احادیث می‌داند.

۷-۴-۱-۵- سید علی اکبر برقی

سیدعلی اکبر برقی قمی متخلص به کاشف در سال ۱۲۷۸ شمسی در قم به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات حوزوی راهی نجف اشرف شد و از محضر حضرات آیات میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی، فقه و اصول و از میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی، منطق، فلسفه و هیأت را فرا گرفت و پس از ورود آیت‌الله حائری به قم، وی به عنوان یکی از مشاوران درباره مشکلات طلاب با مؤسس حوزه علمیه تبادل نظر می‌کرد. وی نیز از نواندیشانی بود که «بعد از شهریور ۱۳۲۰ شروع به نگارش آثاری در زمینه‌های مختلف دینی کرد که از آن جمله کتاب راهنمای دینداران بود

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

که در سال ۱۳۲۴ چاپ شد. این اثر بازبینی در آموزه‌های دینی برای نسل جدید بود» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۸۲۷).

برقعی معرفت دینی را قابل فهم برای همه و بدون واسطه می‌داند (برقعی، ۱۳: ۱۳۲۴) و گرچه به او انگ کمونیست بودن می‌زنند، ولی در کتاب راهنمای دینداران به میزان زیادی به اهمیت دین و چگونگی دینورزی می‌پردازد و چنین می‌گوید: «دین باید دیندار را پروراند تا مجموع فضائل و خصائص و صفات ویژه انسان در او نمودار گردد و بر دیندار است که از تربیت دین سر نیپچد و از هدایت خداوندی منحرف نگردد و در نخستین بار درون را از عقاید و آراء سست و بی‌بنیان و [۴] و فاسد که معدن شرورند و به منزلت بذرهای تباه، پاک و تهی سازد و ارجاس و کثافات را از دل بسترده و شست و شو کند و آن‌گاه عقاید صحیح و اساسی که منبع خیراتند و منشاء بروز اعمال صالحه و کارهای شایسته بپذیرد و در دومین بار کردار را شایسته و اخلاق را نیکو و ستوده گرداند و این همان عمل صالح است» (همان، ۲۹).

برقعی دین و دنیا را به هم پیوسته می‌داند و چنین اندیشه‌ای راه را بر دین دنیاگریز و مدرنیته مادیگرایی دین‌گریز می‌بندد. در بیان این اندیشه چنین می‌آورد «دین را با دنیا ارتباطی مستحکم است و دنیایی که با دین هم‌عنان نیست و از دین جداست، مذموم و ناستوده است. حقیقت این است که این طبقه معنی دنیا را ندانسته و به حقیقت دین راه نبرده‌اند. دنیا مکتب دانش و تربیت خانه روح و جسم است» (برقعی، ۱۳۲۴: ۳۰).

برقعی منافاتی بین دین و علوم جدید نمی‌بیند و معتقد است «دین سد راه پیشرفت انسان به طرف کمال نیست. دین خار راه علوم و فنون و صنایع نیست، دین دشمن دنیای ستوده بشر نیست» (همان، ۳۴). «بشر هر اندازه در علوم و فنون و زیبایی جمال حرفت و صنعت پیشرفت کرد و بنیان کاخ اجتماع را استوارتر نمود بخشی از منظور دین که عمل صالح [است را] مجری کرده و در شمار نیکوکاران است» (همان، ۳۵).

۷-۴-۱-۶- محمد خالصی زاده

شیخ محمد خالصی زاد در سال ۱۲۷۰ شمسی در کاظمین متولد شد. از روحانیان شیعه و از فعالین سیاسی-مذهبی دوران حکومت پهلوی بود. وی علاوه بر علوم اسلامی علوم دیگر مانند ریاضیات، علوم طبیعی و طب را نیز فراگرفت و به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ترکی و فارسی تسلط یافت (پاشازاده، ۲۰۱۲).

او را که یک مبارز اصلاح‌گر می‌خوانند می‌توان منشأ نوعی روشن‌فکری مذهبی در ایران معاصر دانست. شاید بتوان گفت رهبری جریان اصلاح دینی را پس از دوران رضا شاه به عهده داشت. وی به شدت با خرافات مبارزه می‌کرد و در این راه حمله‌های تندی به برداشت‌های روحانیان رسمی سنتی می‌کرد. او سعی داشت تا میان تجدد و سنت‌گرایی راهی نوین ایجاد کند و معتقد بود «عالم ممکن نیست نظم و اداره پیدا کند، مگر به اجرای احکام اسلامی، به شرط آن‌که خرافات و اوهام و پیرایه‌های ملحق به آن از طرف نادانان و متعصبین [...] تجزیه شود» (خالصی‌زاده، ۱۳۲۷:۸۶).

در مورد حجاب و مسأله زن دیدگاه‌های تجددگرایانه داشت. به دلیل عقاید اصلاح‌گرانه مورد اعتراض بسیاری از روحانیان زمان خود بود و ردیه‌های زیادی بر نوشته‌های وی نوشته و چاپ شده است. البته وی از منتقدین روحانیون سنتی از یک سو و متجددین از سوی دیگر بود و کتاب کشف‌الاستار را در پاسخ به اسرار هزار ساله حکمی‌زاده نوشت. «خالصی‌زاده از اندیشمندانی است که ولایت فقیه را پذیرفته و از آن دفاع می‌کند» (احمدی، ۱۳۸۳:۱۰۶).

برخی از اندیشه‌های نوگرایانه وی شامل موارد ذیل است:

- عدم اعتقاد به شهادت ثالثه در اذان (جعفریان، ۱۳۸۶:۸۲۹)؛
- عدم مخالفت با کشف حجاب زنان (مظهر دیانت و آزادی آیت‌الله خالصی، ۱۳۲۳)؛
- مخالفت شدید با خرافات دینی، بهائیان و شیخیه (خرافات شیخیه و کفریات ارشادالعوام یا دسائس کشیشان در ایران، ۱۳۲۷)؛
- واجب دانستن نماز جمعه و دعوت بر وحدت اسلامی (جعفریان، ۱۳۸۶:۸۲۹)؛

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

- تطبیق احکام اسلامی با دانش های جدید و تأکید بر بعد اجتماعی و سیاسی اسلام (همان).

۷-۴-۱-۷- مؤلفه های اصلی جریان نوگرایی دینی در دهه ۲۰

مقصود از مرور اجمالی اندیشه چهره های بارز این جریان این بود که بتوان به این تشخیص رسید که مؤلفه های اصلی جریان نوگرایی دینی کدامند. پس از جریان قرآن گرایی که در دوره رضا شاه آغاز شده بود، شاهد یک جریان اصلاح طلب دینی در دهه ۲۰ هستیم که هم معتقد به مبانی دینی و مذهبی است و هم خواستار اصلاح دینی و مذهبی و زدودن آن از تحریفات است. در بیان اختصار اندیشه ها می توان به وضوح به مرزبندی آن ها با پاکدینی کسروی، مدرنیته و روشن فکری زابیده آن و نیز رویکرد سنتی دینی پی برد.

اگر بخواهیم پی به کلیت اندیشه جریان نوگرایی دینی دهه ۲۰ ببریم باید به هفته نامه «آیین اسلام» مراجعه کنیم. «هفته نامه آیین اسلام» که از فروردین ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۸ منتشر می شد، به روشنی اراده تغییر و نیز سویه و جهت تغییر در دهه بیست را نشان می دهد. آیین اسلام تابلو نواندیشی دینی در دهه بیست است و نویسندگان آن تأثیر بسیاری بر آن داشته اند. در نخستین شماره آیین اسلام به هدف انتشار آن اشاره شده و آمده است. روش ما اظهار عظمت اسلام و مرام ما ترویج این آیین مبین است. مدت هاست معالم دین منهدم شده و آثار آن مندرس گردیده و مشتی تعالیم فرعی که آلوده به خرافات است، جانشین حقایق شده است» (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

این عبارات به خوبی به ماهیت و دغدغه جریان نوگرایی دینی دهه ۲۰ اشاره دارد.

نوگرایان دینی در این دهه در طیف متنوعی ظاهر شدند. در بین این افراد می توان مبارزینی را دید که به طور علنی با حکومت به مبارزه برخاستند. عده ای به انتقاد پرداختند و برخی نیز محافظه کارانی بودند که حتی از برخی سیاست های حکومت نیز حمایت می کردند. نیروهای اجتماعی که بیشتر به این جریان تمایل داشتند، تحصیل کردگان بودند. به طور کلی مؤلفه های اصلی این جریان شامل موارد زیر است.

- برجسته کردن ابعاد سیاسی اجتماعی دین؛

- به کارگیری عقلانیت در فهم دینی و نیاز به تغییر در معرفت دینی؛
- لزوم پاسخ‌گو بودن دین بر اساس پیشرفت‌های علمی و بشری؛
- گریز از خرافات و سنت‌های دست و پاگیر؛
- اعتقاد به ارزش‌های دموکراتیک و حقوق شهروندی از قبیل آزادی در تعیین سرنوشت، آزادی بیان و عقیده و مساوات، ملی‌گرایی؛
- به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی زنان؛
- گذر از فقه سنتی شیعه و برخی از اعتقادات رایج در آن. عدم هماهنگی با طیف سنتی و غالب حوزه‌های علمیه.
- تمرکز بر احیای تمدن اسلامی و نشان دادن علل انحطاط آن؛
- نقد غلات، علم امام، ولایت، شفاعت و زیارت و نیز تفسیر معنای مولی در حدیث غدیر، مغایر با تفسیر رایج شیعه؛
- عدم اصرار بر عقیده شیعی و حرکتی فراتر از چارچوب فکری-فقهی رایج در شیعه؛
- تأکید صرف بر آیات قرآن و پرهیز از استناد به احادیث و عقاید رایج فقهی، به بیان دیگر محور بودن قرآن برای شناخت همه چیز از جمله خرافات (قطعی الصدور یا قطعی الدلاله بودن قرآن).
- بیان آموزه‌های دینی با زبان علم و استفاده از علم برای استواری پایه این آموزه‌ها؛

۷-۴-۲- بنیادگرایی دینی

پیش از این در مورد یکی از شاخه‌های اسلام‌گرایی سیاسی که در دهه ۲۰ ظهور یافت با نام بنیادگرایی دینی مطالبی عنوان شد و این‌که فداییان اسلام اولین گروه بنیادگرایی بود، گروهی که با قتل کسروی حضور خود را در صحنه سیاسی-اجتماعی ایران اعلام کرد. فداییان اسلام بیشتر یک گروه مذهبی عملیاتی و نه یک جریان فکری بودند، در گفتار و نوشتار آنان کمتر می‌توان نشانه‌ای از یک نظریه منسجم مذهبی یا ایدئولوژیک یافت. این گروه

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

فاقد رهبرانی با تحصیلات مذهبی بالا و یا دانش نظری لازم برای تنظیم و تدوین چنان دستگاه فکری یا ایدئولوژیک بود (عنایت، ۱۳۶۲: ۱۷۷-۱۶۸)

این حرکت را جوان طلبه‌ای به نام سید مجتبی نواب صفوی، فرزند سید جواد میرلوحی آغاز کرد. او پس از فوت پدرش تحت سرپرستی عموی خود قرار گرفت و نام خانوادگی دایی و مادرش، نواب را برای خود برگزید. او سه سال و نیم در نجف تحصیل کرد و به ایران بازگشت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

پس از ترور کسروی در اواخر سال ۱۳۲۴ این گروه در سال ۱۳۲۷ رسماً اعلام موجودیت می‌کند. منشور برادری که در همان سالها انتشار دادند، به وضوح خواست‌ها و مواضع این گروه را در برابر حکومت ترسیم می‌کند.

براساس این منشور به روشنی مشخص است که «این مسأله برای آن‌ها مطرح نبوده که سلطنت استبدادی با اسلام سازگاری دارد یا ندارد، وابستگی دربار و دولت به خارجی‌ها و سلطه بیگانگان چندان مطرح نبود، عمده درخواست‌هایشان این بود که خانم‌ها در ادارات کار نکنند، سینماها بسته شوند، زنان حجاب داشته باشند» (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۷: ۶۳)، در کتاب جامعه و حکومت اسلامی نواب صفوی چنین آمده است: حاکم (شاه) اسلامی و مقبول کسی است که معتقد به آل محمد (ص) و ائمه هدی و مجری قوانین اسلام و شیعه پیش‌قدم در انجام شعائر و حفظ مظاهر دینی باشد. دربار و بیوتات سلطنتی باید به مسجد و علائم مذهبی مزین شوند و شخص شاه نیز به شعائر مذهبی مقید باشد از جمله این‌که باید در صف اول نماز جماعت حاضر شود. باید از بروز منکرات نظیر فروش و مصرف مشروبات الکلی یا بی‌حجابی زنان جلوگیری شود. اگر هر چه زودتر به برقراری شعائر اسلامی و جلوگیری از منکرات اقدام نکنند، دست به انتقام زده و تمام آن‌ها را نابود خواهند کرد (نواب صفوی، ۱۳۵۷).

فداییان اسلام در راه اجرایی کردن تهدیداتشان در سال‌های فعالیتشان به ترورهایی دست زدند. آن‌ها با جریان غالب و رهبری حوزه‌های علمیه رابطه خوبی نداشتند و گاهی دست به حرکات تندی علیه آن‌ها می‌زدند. در کتاب «راهنمای حقایق» توهین‌هایی به آیت‌الله بروجردی کردند که

چرا روحانیون و طلاب را از دخالت در فعالیت‌های سیاسی منع می‌کنند. در این جا لازم است اشاره شود که به غیر از دو طیف اسلام‌گرایی سیاسی نامبرده، طیف غالب و جریان اصلی حوزه‌های علمیه در آن زمان غیرسیاسی و همان طیف به اصطلاح «سنتی» در فقه شیعه بودند که عدم دخالت در سیاست و تقیه در عصر غیبت را در پیش می‌گرفتند.

نواب و تعدادی از اعضای این گروه در سال ۱۳۳۴ دستگیر و اعدام می‌شوند و برخی از بقایای آن‌ها در سال ۱۳۴۳ توسط حکومت شناسایی و دستگیر شده، برخی اعدام و برخی دیگر زندانی می‌شوند که این‌ها واکنشی به ترورهای موفق یا ناموفق فداییان اسلام بود.

برای آشنایی بیشتر با اندیشه‌های این جریان به این دلیل که تنها چهره شاخص این گروه در این دهه نواب صفوی است، کتاب حکومت اسلامی وی مطالعه و پس از تحلیل تماتیک، مؤلفه‌های زیر به دست آمد:

- تحقق محتوای اسلام در هر شرایط پذیرش قالب و ساختار سلطنتی و استبدادی؛
- مخالف آزادی و حقوق برابر برای زنان؛
- نفی مدرنیسم و دانش مدرن و ضرورت اسلامی کردن دانش؛
- مخالف آزادی و آزادی بیان و قلم و عقیده فراتر از اسلام نه فراتر از قانون اساسی؛
- معتقد به بعد خشم و انتقام دینی و حذف فیزیکی مخالفان؛
- پذیرش استبداد صالح حتی در صورت غاصب بودن و غیرقانونی بودن؛
- اتخاذ مشی اصلاح‌طلبانه نسبت به حکومت سلطنتی و مشی مبارزاتی خشن و براندازانه نسبت به غیر؛
- اسلامی عمل کردن حکومت؛
- قائل به قانون‌گذاری مخصوص خدا، مخالف قانون‌گذاری و مجلس قانون‌گذاری، موافق مجلس مشورتی؛

۸. نتیجه‌گیری (مقایسه اندیشه انقلاب اسلامی با مؤلفه‌های نوگرایی دینی و بنیادگرایی دینی دهه ۲۰)

همان‌طور که در ابتدای مقاله آمد، اندیشه انقلاب اسلامی در پژوهشی مجزا از تحلیل تماتیک آثار سیاسی و اجتماعی رهبر و نخبگان انقلاب اسلامی به دست آمده است و با این‌که گزارش تفصیلی آن مقاله دیگری را می‌طلبد، ولی مؤلفه‌های اصلی آن بیان شد؛ بنابراین می‌توان این اندیشه را در مقایسه با نوگرایی دینی و بنیادگرایی دینی با توجه به دو دسته مؤلفه مطرح شده در بالا تا حدودی به نوگرایی دینی دهه ۲۰ نزدیک‌تر دانست. در مؤلفه‌هایی نیز به بنیادگرایی دینی این دهه نزدیک‌تر است، ولی نمی‌توان گفت که بر یکی از آن‌ها انطباق کامل دارد.

اندیشه انقلاب اسلامی به کارگیری عقلانیت در فهم دینی و تغییر در معرفت دینی را لازم می‌داند، اما کاملاً خود را در چارچوب فقه سنتی مقید دانسته^۴ و به بهانه خرافه‌زدایی از دین از برخی از اعتقادات رایج در دین عدول نمی‌کند؛ بنابراین اگرچه اختلافاتی سر دخالت دین در سیاست با طیف سنتی غالب حوزه‌های علمیه دارد، اما به طور کلی مانند نوگرایی دینی و بنیادگرایی دینی دهه ۲۰ با طیف سنتی و غالب حوزه‌ها از سر جسارت و بی‌احترامی بر نمی‌خیزد. اندیشه انقلاب معتقد به ارزش‌های دموکراتیک در چارچوب شریعت است و آن‌ها را جزئی از دین و نه وام گرفته شده از اندیشه غربی می‌داند. اندیشه انقلاب حقوق اجتماعی زنان را نیز به رسمیت می‌شناسد. در زمینه شکل حکومت در برخی موارد به بنیادگرایی دینی این دهه نزدیک می‌شود و معتقد به حکومت اسلامی است. در بیشتر موارد استبداد صالح و حکومت اسلامی صرف را نمی‌پذیرد و به جمهوری اسلامی معتقد است. اندیشه انقلاب کاملاً با خشونت و حذف فیزیکی ناسازگار است. بنیادگرایی دینی دهه ۲۰ به مبارزه مسلحانه علیه حکومت و ترور و حذف فیزیکی

۴- پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مرضیه حاجی هاشمی، با عنوان «مطالعه تبار اندیشه‌ای انقلاب اسلامی از شهریور ۱۳۲۰»، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

۵- باید به این نکته اشاره نمود که امام در سال‌های انتهایی فراتر از فقه سنتی رایج، کاملاً معتقد به پویایی فقه با توجه به مقتضیات زمان و مصلحت‌سنجی بودند که دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی در بازه زمانی متعلق به اندیشه انقلاب اسلامی نمی‌گنجد.

معتقد بود و بدان اقدام کرد، به طوری که نیروهای اجتماعی که بیشتر جذب این جریان شدند، نیروهای جوان مذهبی و طلبه‌های جوان بودند و تقریباً هیچ یک از شخصیت‌های برجسته فقهی و حوزوی به این جریان نپیوستند. با همه افت و خیزهای اشاره شده می‌توان به وضوح ریشه اندیشه انقلاب اسلامی را در قرابت بیشتری با جریان نوگرایی دینی دهه ۲۰ یافت و پاسخ نیاز به تغییر در شیوه تفکر دینی در این دهه را در اندیشه انقلاب اسلامی مشاهده نمود و بین این اندیشه و جریان بنیادگرایی دینی تمایز جدی قائل شد.

جدول ۱. مقایسه اندیشه انقلاب اسلامی با نوگرایی دینی و بنیادگرایی دینی دهه ۲۰

بنیادگرایی دینی دهه ۲۰	نوگرایی دینی دهه ۲۰	اندیشه انقلاب اسلامی
	به کارگیری عقلانیت در فهم دینی و نیاز به تغییر در معرفت دینی	اعتقاد به اصلاح معرفت دینی
معتقد به خشم و انتقام دینی و حذف فیزیکی مخالفان		مشی ارشادی و غیرخشونت‌آمیز در مبارزه
تحقق محتوای اسلام در هر شرایط، پذیرش قالب و ساختار سلطنتی و استبدادی		استبداد ستیزی
اعتقاد به حکومت اسلامی		اعتقاد به حکومت اسلامی
پذیرش استبداد صالح حتی در صورت غاصب بودن و غیرقانونی بودن	اعتقاد به ارزش‌های دموکراتیک و آزادی در تعیین سرنوشت	نوعی دموکراسی یا جمهوری اسلامی با نظارت فقیه
نفی مدرنیسم و دانش مدرن و ضرورت اسلامی کردن دانش	لزوم پاسخ‌گو بودن دین براساس پیشرفت‌های علمی و بشری	اعتقاد به علمی کردن دانشگاه و تعامل آزاد با نهاد دینی
قائل به قانون‌گذاری مخصوص خدا، مخالف قانون‌گذاری و مجلس		اعتقاد به مجلس قانون‌گذاری

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

قانون‌گذاری، موافق مجلس مشورتی		
مخالف آزادی و آزادی بیان و قلم و عقیده فراتر از اسلام نه فراتر از قانون اساسی	اعتقاد آزادی بیان و عقیده و مساوات، ملی‌گرایی	اعتقاد به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب منافع مادی و معنوی جامعه
مخالف آزادی و حقوق برابر برای زنان	به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی زنان	قائل به حقوق و آزادی زنان و نیز تبعیض حقوقی

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- احمدی، علی (۱۳۸۳)، *شیخ محمد خالصی‌زاده: روحانیت در مصاف با انگلیس*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اخوی، شاهرخ (۱۳۶۸)، *نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران در جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر نو، چاپ دوم.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸)، *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه هاشم آغاجری، تران، انتشارات مرکز.
- برقی، علی اکبر (۱۳۲۴)، *راهنمای دینداران*، قسمت اول، قم: کتابفروشی اخوان برقی.
- پاشازاده، غلامعلی (۲۰۱۲)، *دانش‌نامه جهان اسلام*، مؤسسه دایره‌المعارف الفقه الاسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، قم: نشر مورخ، چاپ هفتم.
- حکمی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۲۲)، *اسرار هزار ساله*، تهران.
- خالصی‌زاده، محمد (۱۳۲۷)، *خرافات شیخیه و کفریات ارشادالعوام یا دسائس کشیشان در ایران*.

- خالصی‌زاده، محمد (۱۳۲۷)، *حقیقت حجاب در اسلام*، تهران: انتشارات دفتر نشریات دینی.
- خرقانی، سید اسدالله (۱۳۳۹)، *محو الموهوم و صحو المعلوم*، به کوشش سید محمود طالقانی، تهران: بی‌تا.
- خرقانی، سید اسدالله (۱۲۹۶)، *رساله رد کشف حجاب*.
- خرقانی، سید اسدالله (۱۲۹۶)، *روح التمدن و هویه الاسلام*.
- خرقانی، سید اسدالله (۱۲۹۹)، *رساله قضا و شهادات و محاکمات حقوقی ابدی اسلامی*.
- خرمشاهی، بهالدین (۱۳۷۷)، *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، ج. ۲، تهران: دوستان و ناهید.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ایران، از انقلاب مشروطه تا قیام خرداد ۱۳۴۲*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، ج. ۱، تهران: عطار و فردوسی.
- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴)، *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- رهنما، علی (۱۳۸۴)، *نیروهای مذهب بر بستر حرکت نهضت ملی*، تهران: گام نو.
- شریعت سنگلجی، محمد حسن (۱۳۲۰)، *توحید عبادت یکتاپرستی*، تهران: چاپخانه مجلس، چاپ دوم.
- شریعت سنگلجی، محمد حسن (۱۳۴۵)، *کلید فهم قرآن*، تهران: مؤسسه انتشارات دانش، چاپ پنجم.
- صدیقی، بهرنگ (۱۳۹۱)، «آیا جنبش مشروطه آغازی دارد؟»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۳.
- طبری، احسان (۱۳۶۰)، *ایران در دو سده واپسین*، تهران: انتشارات حزب توده.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹)، *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ج. ۱، تهران: نشر گفتار.
- علم، علی اکبر (۱۳۲۳)، *مظهر دیانت و آزادی آیت‌الله خالصی*.

ردیابی اندیشه انقلاب اسلامی در جریان های... _____ علی محمد حاضری و همکار

- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، *شیعه‌گری*، تهران: بی‌جا، توکا.
- کسروی، احمد (۱۳۲۴)، *امروز چاره چیست؟*، تهران: بی‌جا، توکا.
- کسروی، احمد (۱۳۴۰)، *ورجاوند بنیاد*، تهران: علمی.
- کسروی، احمد (۱۳۴۱)، *زندگانی من*، تهران: بی‌جا.
- کسروی، احمد (۱۳۲۲)، *در پیرامون اسلام*، تهران: بی‌جا.
- فیرحی، داود (۱۳۹۳)، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، تحول حکومت‌داری و فقه حکومت اسلامی.
- قریشی، فردین (۱۳۹۰)، *بازسازی اندیشه دینی در ایران*، چاپ دوم، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- مدرسی، مرتضی (۲۵۳۵)، *سیمای بازرگان*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۵)، *جریان‌شناسی تفکر سیاسی در جهان اسلام*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نواب صفوی، سید مجتبی (۱۳۵۷)، *جامعه و حکومت اسلامی*، قم: دفتر بررسی‌های اسلامی و انتشارات هجرت.
- وبر، ماکس (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- وحدت، فرزین (۱۳۸۳)، *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*، تهران: انتشارات ققنوس.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۷)، *نوگرایی دینی، نقد و بررسی جنبش‌های معاصر*، تهران: قصیده.

منابع لاتین

- Amir Arjmand, Saeid (1988), *Authority and Political culture In Shiism*, New York: State University of New York.